

The explanation of the philosophical fundamentals (epistemology) of teaching philosophy to children in Iran

Zahra Jabal-ameli Foroushania, Alireza Yousefy, Yahya Ghaedic, Narges Keshtiaray

¹PhD student, Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

²Associate professor, Medical Education Research Centre, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

³Associate Professor, Department of Educational philosophy, Kharazmi University, Tehran, Iran

⁴Assistant professor, Department of Educational Sciences, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

تبیین مبانی فلسفی (معرفت شناسی) آموزش فلسفه برای کودکان در ایران

زهرا جبل عاملی فروشانی، علیرضا یوسفی^{*}، یحیی قائدی، نرگس کشتی آرای

^۱دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

آدانشیار گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

آدانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

آاستادیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

Abstract

Philosophy is known as one of the effective programs in training thinking in children. In order to produce the intended results; this program should firstly be adjusted with the national curriculum. Once being localized, the contents are to be designed. The aim of the present research was presenting the philosophical fundamentals (epistemology) of philosophy for children in Iran. The method being used was of qualitative content analysis, while applying deductive category application and adaptive combination method. The data were collected through utilizing library research and then were analyzed using the comparative analysis of categorization system. The results obtained indicated that there were some similarities and differences between epistemology fundamentals of philosophy for children in the West and the national curriculum in Iran. The fundamentals of epistemology of philosophy in Iran which were extracted using the adaptive combination indicated the two states of epistemology namely as "real" and "presumed"; human's capability to discover and create awareness. While being dynamic, awareness is stable, too. Different means for reaching to awareness are as: senses, imagination, contemplation, intellect, intuition, and discovery; the limits on understanding the human being and attending to minimal realism. Awareness is a comprehensive outlook to the human's essentials in order to improve his material and spiritual conditions. It is also a research method used for examining philosophical issues. Inspiration, nature, and intellect are the different resources of awareness.

Keywords: Philosophy for Children, fundamentals of philosophy (epistemology), adaptive combination

چکیده

یکی از برنامه‌های مؤثر در پرورش تفکر، فلسفه برای کودکان است و برای دستیابی مطلوب به نتایج آن بایستی، ابتدا مبانی این برنامه با مبانی برنامه درسی ملی سازگار و سپس بر اساس مبانی بومی شده به تدوین محتوا پرداخته شود. هدف پژوهش حاضر، ارائه مبانی فلسفی (معرفت شناسی) برنامه فلسفه برای کودکان در ایران است که با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی و ترکیب سازوار انجام شده است. اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با به کارگیری نظام مقوله بندی قیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده، بیانگر اختلافات و تشابهاتی بین مبانی معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در غرب و برنامه درسی ملی است. حاصل ترکیب سازوار بین آنها مبانی معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در ایران است که عبارت از: معرفت دارای دوسطح حقیقی و اعتباری است؛ توانایی انسان در کشف و خلق معرفت؛ معرفت در عین ثبات، پویا نیز است. ابزار شناخت متعدد و عبارت از: حواس، خیال، تفکر، عقل، شهود و مکاشفه؛ محدودیت شناخت آدمی و توجه به واقع گرایی حداقلی؛ معرفت نگاه جامع به نیازهای انسان در جهت بهبود شرایط مادی و معنوی؛ معرفت، روش تحقیق درباره مسائل فلسفی است؛ منابع شناخت متعدد است، وحی، طبیعت، عقل. **واژگان کلیدی:** فلسفه برای کودکان، مبانی فلسفی (معرفت شناسی) ترکیب سازوار، پرورش تفکر

مقدمه

مبانی تعلیم و تربیت به آن بخش از برنامه تربیت اطلاق می‌شود که به مطالعه نیروهای اجتماعی، نهادها و روابط انسانی، به منظور تقویت آموزش و پرورش رسمی می‌پردازد و مطالبی از جمله تاریخ، علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیا و فلسفه، پایه بحث و مطالعه‌ی آنها است. (Shoari Nejad, 2009) روشن ساختن معنی و مفهوم تربیت و هدف آن گرچه لازم است و اهمیت زیادی دارد، برای تصمیم‌گرفتن در موقعیت‌های مختلفی که پیش می‌آید، کافی نیست. هدف‌ها مقاصد را مشخص می‌کند و عزیمت به سوی هر مقصد برای آن که متضمن وصول بدان باشد، مستلزم طرح و نقشه‌ای است که ناگزیر باید با توجه به مبدأ حرکت ترسیم شود. مبانی تعلیم و تربیت از انسان و امکانات و محدودیت‌هایش و همچنین از ضرورت‌هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آنهاست، بحث می‌کند. (Shokoochi, 2007) طبقه‌بندی‌های متفاوتی از مبانی تربیت ارائه شده است که در این جا طبقه‌بندی شعاری نژاد ارائه می‌گردد.

طبقه‌بندی مبانی تربیت:

۱ - مبانی تاریخی: با مطالعه گذشته برای شناختن حال و طراحی برای آینده

۲ - مبانی فلسفی: بررسی فلسفه‌ها یا افکار فلسفی مؤثر در ساخت کلی آموزش و پرورش

۳ - مبانی روان‌شناختی: که عمدتاً طبیعت‌یادگیرنده و تئوری‌های یادگیری را در بر می‌گیرد. تربیت در صورتی مؤثر خواهد شد که فرد یا افراد مورد تربیت، به درستی شناخته شوند. یعنی آموزگار بداند که شخص مورد تربیت او: کیست؟ چگونه یاد می‌گیرد؟ با چه روش‌هایی می‌توان یادگیری او را برانگیخت و راهنمایی کرد؟ و ...

۴ - مبانی اجتماعی یا جامعه‌شناختی: به آن گروه از عوامل اجتماعی توجه می‌شود که مستقیماً روی کم و کیف تربیت یک جامعه اثر می‌گذارند. (Shoari Nejad, 2009)

باید دانست که آشنایی با یافته‌های علوم مربوط به آدمی اگر چه لازم و در بسیاری از موارد مفید است از لحاظ تعلیم و تربیت ارزش مطلق ندارد و برای حل مسائل کافی نیست. چرا که اولاً داده‌های علمی به صورت خام در تعلیم

و تربیت، قابلیت بهره‌برداری ندارد و پیش از آن که در موقعیت‌های تربیتی به کار برده شود، باید از صافی ملاحظات فلسفی و اخلاقی بگذرد. ثانیاً چنانچه بخواهیم برای یافتن پاسخ همه پرسش‌هایی که در قلمرو تعلیم و تربیت پیش می‌آید، تنها دست به دامان علوم شویم، بسیاری از سؤالات ما بلکه اساسی‌ترین آنها بی‌جواب می‌ماند. برای برطرف کردن این مشکل، باید به فلسفه متوسل شویم. (Shokoochi, 2007) فلسفه، مطالعه ماهیت، علل یا اصول واقعیت، دانش یا ارزش‌ها بر اساس استدلال منطقی است. (The American Heritage Dictionary)

اگر فلسفه را یک «رشته» در نظر بگیریم از شاخه‌های گوناگون تشکیل خواهد شد. چنانچه در مورد سایر رشته‌ها نیز به همین صورت است. مثلاً رشته شیمی متشکل از شاخه‌های شیمی آلی، شیمی معدنی و ... است. حال فلسفه هم به عنوان یک «رشته» متشکل از شاخه‌های هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی است. انسان‌شناسی زیر مجموعه شاخه هستی‌شناسی است، زیرا انسان زیر مجموعه هستی است. (Alavi, 2007)

(رشته) فلسفه: هستی‌شناسی (Ontology)

انسان‌شناسی (Anthropology)

متافیزیک شناخت‌شناسی (Epistemology)

معرفت‌شناسی (ارزش‌شناسی) (Axiology)

در این مقاله به بررسی مبحث معرفت‌شناختی پرداخته می‌شود و مقوله‌های دیگر، در مقالات بعدی، بررسی خواهند شد.

معرفت‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه دانش می‌پردازد. ریشه معرفت‌شناسی (Epistemology) از دو کلمه «episteme» به معنای «معرفت یا علم (شناخت و دانش)» و «logos» به معنای «سخن، گفتار یا مباحثه» است. بنابراین «معرفت‌شناسی»، پاسخی است به این سؤال که ما چگونه می‌توانیم «واقعیت» را بشناسیم؟

در بحث معرفت‌شناسی پاسخ‌گویی به سؤالاتی در مورد ماهیت معرفت، شناخت، کیفیت یادگیری و منابع کسب شناخت و انواع یادگیری، مورد بحث قرار می‌گیرد. (Yarmohammadian, 2010)

برای کودکان، مظهري از تمایل فلسفی به گفتگو و اجتماع پژوهشی عقلانی است. (Johnson, 2007) از نظر لیپمن، هدف عمده این برنامه، کمک به کودکان است تا چگونه فکر کردن را بیاموزند. لیپمن اهداف برنامه فلسفه برای کودکان را به صورت ذیل دسته بندی می کند:

- ۱- بهبود و توانایی تعقل ؛ ۲- پرورش خلاقیت ؛ ۳- رشد فردی و میان فردی ؛ ۴- پرورش و درک اخلاقیات؛ ۵- پرورش توانایی مفهوم یابی در تجربه (Ghaedi, 2004)
- مبانی معرفت شناسی برنامه درسی ملی ایران:

۱- انسان در شناخت هستی و درک موقعیت خود در آن توانایی دارد؛

۲- علم دارای اقسام حقیقی و اقسام اعتباری است؛

۳- منابع شناخت آدمی متعدد است که شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب، طبیعت، جامعه و تاریخ است؛

۴- انسان هم در مقام نظر و هم عمل، توانایی تعقل (عقل ورزی) دارد؛

۵- تعقل در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت

جاوید نقش محوری دارد؛

۶- علم در عین کشف واقع (از منظر معلوم)، محصول ابداع (از منظر عالم) است؛

۷- معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است؛

۸- علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، ویژگی پویایی دارد .

۹- شناخت آدمی با موانعی از قبیل پیروی از هوای نفس، التزام به عادات و سنت های غلط نیاکان، خودباختگی در برابر بزرگان و قدرت ها و نیز محدودیت هایی چون میزان ظرفیت و توان فرد و ناتوانی عقل نسبت به درک بخشی از حقایق هستی همراه است؛

۱۰- علم انسان مراتب و سطوح مختلف دارد؛

۱۱- ابزار شناخت و معرفت عبارتند از: حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب). شایان ذکر است که در این میان، تفکر و تعقل نقش اساسی در شناخت حقیقت هستی و سعادت جاوید دارد؛

۱۲- علم به مثابه کشف فعل خدا، دینی است؛

معرفت شناسی، توضیح چگونگی فکر کردن ما است. بنابراین معرفت شناسی در تشخیص درست از نادرست یا تعیین روشی برای ارزیابی مناسب واقعیت از غیر آن به ما کمک می کند. از این رو با یک معرفت شناسی نادرست ما قادر به تشخیص حقیقت از خطا نخواهیم بود. عواقب و پیامدهای معرفت شناسی برای ما بسیار روشن و آشکار است ما به هر اندازه که دارای معرفت شناسی درستی باشیم، می توانیم به همان نسبت درجه ای از واقعیت رادرک کنیم و از این معرفت شناسی برای ارتقای زندگی و اهداف خود استفاده کنیم. در مقابل، نقص در معرفت شناسی کارما را در به انجام رساندن هر چیزی با سختی و مشکل مواجه می کند. آموزش فلسفه برای کودکان یک اقدام آموزشی است که به بهبود تفکر کودکان می پردازد. لیپمن اعتقاد دارد، چنانچه کنجکاو طبیعی کودکان و میل آنان به دانستن درباره جهان را با فلسفه مرتبط کنیم، می توانیم کودکان را به متفکرانی تبدیل کنیم که بیش از پیش نقاد، انعطاف پذیر و مؤثر باشند. (Fisher, 2006) لیپمن، بیان می دارد، تفکر فلسفی به معنی صرف تفکر و استدلال محض نیست، بلکه مستلزم تفکر در باره تفکر است (Karimi & Khosronejad, 2002). برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، توسعه تفکر فلسفی، نه تنها به عنوان یک ابزار حرفه ای برای مربی، بلکه یک راهی است برای بهبود کیفیت زندگی، برای این که به انسان کمک کند، به یک چشم انداز عمیق تر و گسترده تر از وجود انسان و جهان اطراف برسد، وظیفه تفکر فلسفی به عنوان مثال این است که تعیین کند، چه نوع زندگی، خوب است. همچنین مهمترین نقش تفکر فلسفی این است که به عنوان راهنمای آموزش و پرورش تلقی می شود. طبق نظر (Nosbam, 2010) فرض شده که فلسفه برای کودکان (p4c) یکی از گویاترین روش های تحریک تفکر انتقادی در کودکان است که با الهام از نظریه اجتماعی - ساختارگرایی ویگوتسکی و همچنین مامایی سقراطی و عملگرایی دیویی، توسط لیپمن در آغاز دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. (Daniel & Jagnon, 2011) به طور خلاصه در یک معنا، برنامه فلسفه برای کودکان، شامل گروهی از دانش آموزان است که در یک دایره با کمترین هدایت از سوی تسهیل گر، نشستند. در یک مفهوم گسترده تر، فلسفه

۱۳- تحصیل معرفت محدودیت زمانی ندارد.
(www.roshd.ir, National Curriculum).

روش پژوهش

پژوهش حاضر، با استفاده از روش ترکیب سازوار انجام می‌شود. منظور از ترکیب سازوار، ترکیب نظریه‌های مختلف به گونه‌ای است که اجزای ترکیب جدید از وحدت ارگانیک، برخوردار باشد و تنها حاصل کنار هم چیدن پاره‌های ناهم‌خوان مجموعه‌های مختلف نباشند (Bagheri, Sajadieh & Tavassoli, 2010). شرح ذیل است: گام اول؛ مشخص کردن فرازبان یا زبان مشترک، برای نظریه‌هایی که قرار است با هم ترکیب شوند. در این پژوهش در نوشتن فرازبان، دین اسلام، مورد توجه قرار گرفته است. گام دوم؛ مشخص کردن نظریه‌ها و اجزایی از آنهاست که برای ترکیب، مورد استفاده قرار خواهند گرفت. در این مطالعه به دلیل متمرکز بودن فرازبان بر دین اسلام، بخشی از یافته‌ها که در تعارض بنیادی و غیرقابل رفع با اسلام است، در ترکیب کنار گذاشته می‌شود. اما در بقیه موارد با توجه به فرازبان، تغییراتی در آنها ایجاد و در ترکیب به کار برده می‌شوند. گام سوم؛ مشخص کردن نوع و سطح ترکیب نظریه‌های منتخب است. به دلیل آن که در رأس نظریه‌ها در تحقیق حاضر یک فرازبان قرار گرفته است، ترکیب از نوع محتوایی و به دلیل آن که رابطه مکمل بودن نظریه‌ها نسبت به هم، در سطوح مختلف ترکیب، مورد نظر خواهد بود و با توجه به آن که نظریه‌های منتخب، هر کدام به بررسی بعد یا جنبه‌ای از عرصه معینی از امور انسانی پرداخته‌اند، رابطه تکمیلی آنها عرضی (افقی) است. گام چهارم؛ تعدیل نظریه‌های انتخابی است. با توجه به فرازبان به دو صورت تغییر در نظریه‌های منتخب یا تفسیر متفاوت در مورد آنها انجام می‌شود. در ترکیب حاضر، نوع اول (تغییر در نظریه) انجام شده است. گام پنجم؛ ارزیابی نهایی ترکیب جدید حاصل از نظریه‌های مبدأ. این ارزیابی به دو صورت کم دامنه یا بلند دامنه (بازبینی یا آزمون) انجام می‌شود. در تحقیق حاضر، از ارزیابی کم دامنه استفاده گردید. در این بخش از نظر متخصصان تعلیم و تربیت نیز بهره گرفته شد (Bagheri, Sajadieh & Tavassoli, 2010).

برای کودکان در غرب و متن برنامه درسی ملی بوده است. جهت نمونه گیری به علت کثرت منابع در این حوزه از کلیه متون چاپی و دیجیتالی در دسترس، استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات، نیز فیش‌های محقق ساخته بود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی (Deductive category application) و واحد تحلیل پارگراف بوده است. مراحل کار به این صورت است که ابتدا پارگراف‌ها و عبارت‌های مهم مرتبط با معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در غرب استخراج گردید و در جدول قرار گرفت و سپس از میان آنها مفاهیم جزئی بیرون کشیده و کدگذاری شد. سپس مفاهیم مشترک کدگذاری شده در جدول دیگری در یک دسته قرار گرفت. دسته‌ها نامگذاری شد و مقوله‌های اصلی به دست آمد. در هر مرحله اقدامات انجام شده مورد ارزیابی اساتید محترم قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش، مبانی فلسفی (معرفت شناسی) آموزش فلسفه برای کودکان در غرب چیست؟ نتایج نشان می‌دهد، لیپمن و همکارانش معتقدند، همچنان که آموختن واقعیت‌های تاریخی با آموختن تفکر تاریخی، متفاوت است و همچنان که آموختن واقعیت‌های علمی با آموختن تفکر علمی متفاوت است، بر همین قیاس، آموختن اطلاعات فلسفی نیز با آموختن تفکر فلسفی متفاوت است. (Kam, 2005) ایده آموزش فلسفه برای کودکان با اندیشه‌ها، روش و منش سقراط، ارتباط قوی دارد. برای سقراط و پیروان او، مسیر دانایی با شناخت نادانی فرد آغاز می‌شود. نقش معلم می‌تواند با «ماما» مقایسه شود. معلم باید با پرسش‌هایش اجازه دهد که حقیقت آشکار شود و همانند ماما، به تولید ایده‌ها کمک کند. (Haynes, 2008) در فلسفه برای کودکان به جای آن که دانش آموزان، نتایج به دست آمده توسط دیگران را صرفاً به خاطر بسپارند و بدون دخالت و اظهار نظر آنها را بپذیرند، بر سر هر موضوع، گفتگو، تحقیق و پژوهش می‌کنند، به گونه‌ای که در عمل به کاوشگرانی ماهر و جوان تبدیل می‌شوند. کاوشگر بودن مقوم اصلی این الگو است و مراد از آن جستجوگری فعال و پرسشگر مصر بودن و هوشیاری دائمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات،

تجارب بین فردی، تأکید می‌ورزد. (Lipman, 2003) برنامه فلسفه برای کودکان، بر برداشتی از معرفت، مبتنی است که بر اساس آن معرفت، هم ماهیت کشفی دارد و هم ماهیت قراردادی. این برداشت از معرفت در تقابل با برداشتی است که معرفت را صرفاً ساخت گرایانه یا صرفاً واقع گرایانه تعریف می‌کند، بلکه موافق دیدگاهی است که قائل به حضور هم زمان عناصری از هر دو دیدگاه در معرفت است. گلدینگ این موضوع را مبنا قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که، در غیبت مبنای صرفاً ساخت گرایانه و مبنای صرفاً عینیت گرایانه، پراگماتیسم دیویی مبنای مناسبی برای برنامه فلسفه برای کودکان است. وی اعتقاد خود را به مبنای پراگماتیستی برنامه فلسفه برای کودکان با عنوان ریشه‌های دیوییایی این برنامه بیان می‌کند (Golding, 2007).

خلاصه مبانی معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در غرب در شکل شماره ۱ نمایش داده شده است.

گام اول: مشخص کردن زبان مشترک

علم، به مثابه کشف فعل خداوند، دینی است.

گام دوم: زبان مشترک در ترکیب حاضر توجه به علم دینی است. با توجه به این که مبانی معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در غرب و برنامه درسی ملی، در تعارض غیرقابل رفع با فرازبان نیستند، همه مفاهیم استخراج شده جهت ترکیب سازوار حاضر هستند.

گام سوم: به دلیل قرار گرفتن زبان مشترک در رأس نظریه‌ها، ترکیب حاضر از نوع محتوایی است. از آنجا که هر یک از این نظریه‌ها (معرفت شناختی فلسفه برای کودکان در غرب و برنامه درسی ملی) به بررسی ابعاد مختلفی از معرفت پرداخته است، ترکیب مذکور نوعی ترکیب افقی یا عرضی است.

گام چهارم: بر روی گزاره‌های باقی مانده، با توجه به زبان مشترک، تغییراتی اعمال و تعدیل بین آنها ایجاد گردید.

آمادگی همیشگی داشتن برای مقایسه، مقابله و تحلیل و ارائه فرضیه، تجربه، مشاهده، سنجش و امتحان است (Lipman, 2003). فلسفه برای کودکان و نوجوانان، فلسفه را منتهی به پاسخ‌های ابطال پذیر و موقتی می‌داند که همیشه محل مناقشه‌اند و راه را برای تجدید نظر باز می‌گذارند. (Golding, 2007) به نظر (Morris, 1999) می‌توان فلسفه در آموزش فلسفه برای کودکان را به عنوان روش تحقیق، در مورد سؤالات بنیادی در نظر گرفت که با روش علمی نمی‌توان، به آنها پاسخ داد. از این رو به نظر می‌رسد، پرسندگی از ویژگی‌های اصلی فعالیت فلسفی است. در سنت غربی، از زمان سقراط تا کنون، این روش از طریق شکلی از پرسشگری مداوم شناخته شده است که در آن پاسخ دادن، به یک سؤال، تنها به سؤالات بیشتری منجر شده است. این ویژگی، به هیچ موضوع خاصی محدود نمی‌شود و حتی پرسش از خود فلسفه را نیز در برمی‌گیرد. (Solomon, 2000) از نظر ویگوتسکی، تأثیر بافت اجتماعی صرفاً در بازخوردها و باورها نیست، بلکه این بافت در چگونگی و آنچه در آن باره می‌اندیشیم نیز اثر می‌گذارد. اگر چه در ساختار ذهن همه افراد بشر همگونی‌هایی وجود دارد، اما این فرهنگ و عوامل اجتماعی است که زمینه رشد یا عدم رشد، و حتی شکل‌گیری و عدم شکل‌گیری بسیاری از قابلیت‌های ذهنی را فراهم می‌کند.

ویگوتسکی بر خلاف پیازه که تعامل کودک با اشیاء طبیعی را در این بازسازی مهم می‌داند، ارتباط کودک با انسان‌ها را مد نظر قرار می‌دهد. ویگوتسکی معتقد بود که مهارت‌های شناختی و الگوی فکری، محصول فعالیت‌های اجتماعی فرد است و تاریخچه فردی، تعیین کننده اصلی چگونگی تفکر اوست (Seyf, 2008) در واقع (Vygotsky, 1981) جنبه‌های فرهنگی و تاریخی و اجتماعی را در رشد شناختی، بسیار با اهمیت می‌داند و به باور او کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی‌اش تعیین کننده اصلی رشد شناختی اوست (Devries, 2000, Fernyhough) (2008) لیپمن همچنین به تأثیرپذیری از دیویی در توجه او به تجربه عملی در شناخت، اشاره می‌کند و همراه با برجسته کردن نقش کودکان در فهم مسائل اجتماعی، بر

جدول ۱ - ترکیب سازوار مبانی معرفت‌شناسی فلسفه برای کودکان در غرب و برنامه درسی ملی ایران

مبانی معرفت‌شناسی از نظر فلسفه برای کودکان در غرب	مبانی معرفت‌شناسی از نظر برنامه درسی ملی ایران	مبانی معرفت‌شناسی فلسفه برای کودکان در ایران
ساخت‌گرایی عینی	توانایی انسان در شناخت هستی و درک موقعیت خود	معرفت دارای دوسطح حقیقی و اعتباری است.
تطابق با واقعیت	علم دارای اقسام حقیقی و اعتباری است	انسان، توانایی خلق و کشف معرفت را دارد.
توجه به مشاهده	منابع شناخت انسان متعدد است (وحی، عقل، قلب، طبیعت، جامعه و تاریخ)	معرفت در عین ثبات، پویا نیز است.
توجه به تجربه	انسان هم در مقام نظر و هم عمل، توانایی تعقل (عقل‌ورزی) دارد؛	ابزار شناخت متعدد و عبارت از: حواس، خیال، تفکر، عقل، شهود و مکاشفه است.
تغییر پذیری و ابطال پاسخ	تعقل در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش محوری دارد؛	محدودیت شناخت آدمی و توجه به واقع‌گرایی حداقلی
فرایند مدار	علم در عین کشف واقع (از منظر معلوم)، محصول ابداع (از منظر عالم) است؛	معرفت نگاه جامع به نیازهای انسان در جهت بهبود شرایط مادی و معنوی
دیالکتیک نقادی	معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس‌الامر) است.	معرفت، روش تحقیق درباره مسائل فلسفی است.
واقع‌گرایی حداقلی	علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، ویژگی پویایی دارد.	منابع شناخت متعدد است، وحی، طبیعت، عقل و ...
توجه به سطوح متفاوت معرفت	شناخت انسان با موانعی از قبیل پیروی از هوای نفس و ... همچنین با محدودیت‌هایی مانند میزان ظرفیت و توان فرد و ... همراه است.	
تأکید بر اجتماع پژوهشی	علم به مثابه کشف فعل خدا، دینی است؛	
مشاهده ارتباط امور	تحصیل معرفت محدودیت زمانی ندارد.	
روش تحقیق درباره مسائل فلسفی	علم انسان مراتب و سطوح مختلف دارد؛	
ارزیابی و قضاوت کردن	ابزار شناخت و معرفت عبارت‌اند از: حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب)	
راهکار مناسب در جهت بهبود شرایط		



شکل ۱ - معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در ایران

تحت عنوان «آیا فلسفه برای کودکان به نسبت گرایی می‌انجامد؟» به وسیله تمثیل فیل در تاریکی، مرزی بین شک گرایی و نسبت گرایی ایجاد کرده است (Craig, 1998) نیز اعتقاد دارد، شک گرایی با نسبت گرایی متفاوت است، چرا که شک گرا معتقد است که هیچ یک از باورهای ما قطعی، موجه، معقول نیست و هیچ یک از باورهای معقول‌تر از انکار آن نیست. (Craig, 1998) پس می‌توان نتیجه گرفت که اجتماع پژوهشی برای رسیدن به حقیقتی مطلق نیست (جزم گرایی). از طرفی این برنامه عنوان نمی‌کند که هیچ حقیقتی وجود ندارد (شک گرایی). همچنین در برنامه فلسفه برای کودکان، نسبت گرایی به گونه‌ای که هرج و مرج در معرفت عنوان می‌شود، نیست، بلکه این برنامه در بحث معرفت شناسی، موافق کثرت گرایی انتقادی یا واقع گرایی حداقلی است. در مقایسه بین مبانی معرفت شناسی در برنامه فلسفه برای کودکان در غرب و برنامه درسی ملی، مفاهیم مشترکی، مانند، توانایی تعقل ورزی انسان، توجه به مشاهده و تجربه وجود دارد، اما در برخی موارد، اختلافاتی دیده می‌شود. به طور مثال، در برنامه فلسفه برای کودکان در غرب، به وحی توجه

گام پنجم: جهت بازبینی ترکیب جدید از ارزیابی کم دامنه استفاده شد و ترکیب جدید از این حیث که آیا میان فرازبان و نظریه‌های مترتب بر آن، در سطح تبیینی و عملی، سازواری مناسب برقرار شده است، مورد بازبینی قرار گرفت. این گام با کمک گرفتن از صاحب نظران تعلیم و تربیت، انجام شد.

بحث و نتیجه‌گیری

در بحث معرفت شناسی، بسیاری از فیلسوفان در طول تاریخ، خود را ناگزیر از انتخاب میان سه رویکرد جزم گرایی، نسبی گرایی و شکاکیت می‌دانسته‌اند (از نظر فلاسفه‌ای که نسبی گرایی و شک گرایی یکی است، انتخاب به ناچار، بین دو رویکرد شکاکیت و جزم گرایی، بوده است). اما رویکرد چهارمی را می‌توان در نظر گرفت که به پیروی از معرفت شناسان معاصر، واقع گرایی حداقلی، نامیده می‌شود (Moser, 2003). برخی صاحب نظران معتقدند، به دلیل آن که لیپمن در فلسفه برای کودکان، به نقش زمینه و موقعیت در کسب معرفت، اهمیت می‌دهد، این برنامه به نسبت گرایی می‌انجامد. اما در مقابل برخی دیگر با بیان نظرات خود با آن مخالفت کرده‌اند (Karimi, 2010) در مقاله‌ای

جهت بهره گرفتن از نتایج مثبت این برنامه، بدون دخالت اثرات سوء آن، به بومی سازی محتوای فلسفه برای کودکان، توجه ویژه شود.

منابع

Alavi, Hamid, Reza. (2007). Basic factors in education philosophy and philosophical-educational schools of thoughts. Kerman: Shahid Bahonar University press.

Bagheri KHosrow , Sajadieh N & Tavassoli T. (2010). Approaches and methods of research in philosophy of education, Tehran: Institute of Social and Cultural Studies.

Craig, Edward: (General editor) (1998). Routledge Encyclopedia of Philosophy, London: Routledge

Daniel Marie-France, Gagnon Mathieu. (2011). Developmental process of dialogical critical thinking in groups of pupils aged 4 to 12 years , journal of Creative Education, 2 (5): 418-428.

DeVries Rheta. (2000). Vygotsky, Piaget, and Education: a reciprocal assimilation of theories and educational practices. New Idea in Psychology, 18: 187-213.

Fernyhough, Charles. (2008). Getting Vygotskian about theory of mind: Mediation, dialogue, and the development of social understanding. Developmental Review, 28: 225-262.

Fisher, Robert. (2006). "Talking to Think", in: D. Jones and Hodson, Unlocking Speaking and Listening, London: David Fulton Press.

Fisher, Robert. (2006). Teaching thoughts to children. Safaei Moghadam, M, & Najarian, A (Trans). Ahvaz: Rasesh.

Ghaedi, Yahya. (2004). Teaching philosophy to children (theoretical bases). Tehran: Davavin.

Golding, Clinton. (2007). 'Pragmatism, Constructivism and Socratic Objectivity: The Pragmatist Epistemic Aim of Philosophy for Children', Conference Presentation

نمی‌شود. در حالی که در برنامه درسی ملی با توجه به دین اسلام، یکی از منابع شناخت، وحی است. لیپمن، اعتقاد دارد، فلسفه یک روش است نه یک پیام. (Lipman, 2009) به همین دلیل معرفت در نظر وی در یک فرایند دیالکتیک به دست می‌آید و جنبه تجویزی ندارد. بنابراین شناخت حاصل از وحی در نظر لیپمن، فاقد اعتبار است. در فلسفه برای کودکان در ایران با توجه به این که در برنامه درسی ملی، هم مطرح شده که یکی از منابع شناخت، وحی است، منظور ما از معرفت شناسی، فقط علم مادی نیست، بلکه توجه به معرفت دینی، هم مد نظر است. با توجه به آن که یکی از برنامه‌های مؤثر در پرورش تفکر، فلسفه برای کودکان است. در حال حاضر موفقیت این برنامه در تأمین نیازهای آموزش و پرورش نوین، استقبال زیادی را از سوی آموزش و پرورش کشورهای مختلف به دنبال داشته است، به طوری که هم اکنون این برنامه در بیش از صد کشور دنیا اجرا می‌شود. در کشور ما نیز در سال‌های اخیر اقبال قابل توجهی نسبت به اجرایی کردن این برنامه صورت گرفته است. اما نا هماهنگ بودن ویژگی‌های این برنامه با آن چه که در آموزش و پرورش رایج در جریان است، از یک سو و از سوی دیگر خاستگاه غیر بومی این برنامه، مسائلی هستند که با توجه به آنها چالش‌هایی در مسیر اجرای مطلوب این برنامه به وجود آمده است. بر همین اساس در پژوهش حاضر، از ترکیب سازوار بین مبانی معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در غرب و برنامه درسی ملی، مبانی معرفت شناسی فلسفه برای کودکان در ایران ارائه گردید که عبارت است از: معرفت دارای دوسطح حقیقی و اعتباری است؛ توانایی انسان در کشف و خلق معرفت؛ معرفت در عین ثبات، پویا نیز است. ابزار شناخت متعدد و عبارت است از: حواس، خیال، تفکر، عقل، شهود و مکاشفه؛ محدودیت شناخت آدمی و توجه به واقع گرایی حداقلی؛ معرفت نگاه جامع به نیازهای انسان در جهت بهبود شرایط مادی و معنوی؛ معرفت، روش تحقیق درباره مسائل فلسفی است؛ منابع شناخت متعدد است، وحی، طبیعت، عقل. با توجه به یافته‌های پژوهش، مبانی فلسفه برای کودکان در غرب در برخی موارد با مبانی برنامه درسی ملی مغایرت دارد، لذا پیشنهاد می‌گردد، در آموزش فلسفه برای کودکان در ایران،

eric. ed. gov/contentdelivery/ servlet/ericervlet?accno=ed 439700.

The American Heritage Dictionary:
<http://ahdictionary.com/>

Yarmohammadian, Mohammad, Hosein.
(2010). basics of curriculum planning (7th ed).
Tehran: Yadvareye Ketab.

©2007Philosophy of Education Society of Australasia

Haynes Joanna. (2008). Children as philosophers: Learning Through Enquiry and Dialogue in the Primary Classroom ,London:Routledge Falmer, pages 176.

Johnson Carl. (2007). Philosophy for Children as a Paradigmatic Example of Rational Inquiry. Retrieved. (2010). from <http://www.indexofpdf.com/search-inqu+rito+policial.html>.

Kam, Philip. (2005). Mental stories 1, an investigation for children (2nd ed). Bagheri, A (Trans). Tehran: Amirkanbir.

Karimi, Hosein, & Khosronejad, Mortaza. (2002). Teaching philosophy to children through literature, analyzing Lipman pattern. Children literature conferene.

Karimi, Roohalah. (2010). Does philosophy for children leads to relativism?. Thoughts and children, human science and cultural studies, 1(2), 101-119.

Lipman, Mathew. (2003). "Thinking in Educations", New York: Cambrigde University Press

Lipman, Mathew. (2009). "Educating Through Philosophical Inquiry: A Pedagogy of Action and Reflection, An Interveiwe with Maurastriano", in: Farhang Quarterly Journal of Humanities and Cultural Studies, Vol. 22, No. 69.

Moser, Paul, (2003). Realism, identicalness, skepticism. Fathizade, M. Zehn, 14.

Seyf, Ali, Akbar. (2008). New training psychology, learning and teaching psychology (6th ed). Tehran: Doran.

Shoari Nejad, Ali, Akbar. (2009). New philosophies of training. Tehran: Etelaat.

Shokoohi, GHolam hosein. (2007). Bases and basics of education (28th ed). Mashhad: Astane Ghodse Razavi.

Solomon David. L. (2000). Philosophical Inquiry in Instructional Technology [microform]: The Forgotten Pathway to Learning,<http://www>.